

«ایران» روایت مردم از زندگی روزمره در میان مسائل معیشتی را به همراه تحلیل‌های کارشناسانه گزارش می‌دهد

پیوند « کالابرگ» با سفره معیشت مردم



تولید: علی‌رضا

گزارش

کروه گزارش / افزایش قیمت‌های کالاهای اساسی، زندگی روزمره خانواده‌های ایرانی را به میدان نبردی نابرابر بدل کرده است.

طبقه‌های متوسط و پایین‌تر زیر بار تورم فشار بیشتری را متحمل شده‌اند و امید جوانان به آینده‌ای روشن کم‌رنگ‌تر شده است. در کوچه و بازار، روایت‌های مردمی از سفره‌های کوچک‌تر، حذف گوشت و میوه، و آرزوهای محقق نشده حکایت دارد. با وجود فشارهای سنگین ناشی از تحریم‌ها و تورم، دولت تلاش کرده است با پرداخت یارانه نقدی و ارائه بسته‌های حمایتی از طریق «کالابرگ» برای تأمین کالاهای اساسی، بخشی از بار معیشتی خانواده‌ها را سبک کند. این حمایت‌ها هرچند توانسته همه مشکلات را برطرف کند، اما برای بسیاری از خانواده‌ها، بازماندگی از کالابرگ نقش ضربه‌گیر داشته و امکان تأمین حداقل نیازهای روزانه را فراهم کرده است. در روایت‌های میدانی، بازماندگانی که با افزایش حقوق توانسته‌اند اجاره خانه را بپردازند و خانواده‌هایی که با بسته‌های حمایتی سفره‌ای ساده اما پابرجا داشته‌اند، نشان از آن دارد که سیاست‌های حمایتی دولت، هرچند محدود، اما همچنان رونه‌ای از امید در دل جامعه ایجاد کرده است.

حمایت‌های معیشتی از دید جامعه نه تنها لازم و ضروری است، بلکه نیازمند به‌روزرسانی دوره‌ای و شفافیت در اجراست. میثم رضایی، کارگر ۴۸ ساله روزمزد، درباره شرایط معیشتی خود توضیح می‌دهد: «از زمانی که کالابرگ ارائه می‌شود، مشمول دریافت آن هستم چون نه خانهای دارم و نه خودرویی. با استفاده از کالابرگ می‌توانم بخشی از هزینه‌های خرید اقلام ضروری مانند ماکارونی، برنج، روغن و لبنیات را تأمین کنم.»

او می‌گوید: «ما کالابرگ را دریافت و از آن استفاده هم می‌کنیم، اما هزینه یک خرید ساده دیگر مثل قبل نیست. این روزها که موضوع افزایش قیمت بنزین مطرح شده، به‌نظر من اگر قرار است دولت از این افزایش درآمدی کسب کند، بهتر است این منابع مستقیماً صرف تقویت کمک‌هزینه‌های معیشتی مثل کالابرگ شود. چون ما مردم عادی بیش از همه تحت فشار گرانی قرار داریم.»

پیش از این برخی مسئولان دولتی اعلام کرده‌اند که منابع حاصل از اصلاح قیمت بنزین صرف کمک به معیشت نیازمندان از راه کالابرگ خواهد شد.

رضایی معتقد است که یکی از مشکلات اصلی این روزهای مردم کاهش قدرت خرید خانواده‌هاست و به همین دلیل، تأکید دارد که مبلغ کالابرگ باید متناسب با نرخ تورم به‌طور منظم افزایش پیدا کند.

او می‌گوید: «دولت باید برای مردم توضیح دهد که چه برنامه‌ای برای افزایش مبلغ کالابرگ در بازه‌های زمانی مشخص دارد و این موضوع روشن شود که چند درصد از درآمد ناشی از افزایش قیمت بنزین

قرار است صرف حمایت‌های معیشتی شود؟ چون شفاف شدن این موضوع برای خانواده‌های کم‌درآمد می‌تواند آرامش فکری ایجاد کند و باعث شود مردم احساس کنند افزایش قیمت‌ها بی‌حساب و کتاب نیست.»

نگرانی بازنشته‌ها از آینده

سنایی، معلم بازنشته آموزش و پرورش، پس از سی سال تدریس حالا با حقوق بازنشتی‌اش حتی برای پرداخت اجاره خانه مشکل دارد. او می‌گوید: «دولت حقوق ما را کمی افزایش داده، اما وقتی قیمت دارو و مواد غذایی هرروز تغییر می‌کند، این افزایش حقوق چندان به چشم نمی‌آید. من بیش از همه نگران آینده فرزندان و نوه‌هایم هستم.» او با گلایه از گرانی‌های پی‌درپی و فشارهای اقتصادی می‌گوید: «زندگی روزمره خانواده‌ها، بویژه ما بازنشته‌ها، بشدت تحت تأثیر قرار گرفته است. حقوق کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد، قیمت یک کیلو گوشت از ۸۰۰ تومان زمان بیشتر شده و ما ناچاریم به خرید مرغ یا حبوبات بسنده کنیم. برای پیدا هم فقط می‌توانم هندوانه و کمی شیرینی تهیه کنم و از خرید مفضل آجیل و خوراکی‌های متنوع خبری نیست.»

او با طرح این سؤال که چرا بعد از سال‌ها خدمت، بازنشتی‌ها همچنان باید نگران نان شب باشند و چرا حقوق آنان متناسب با تورم واقعی افزایش نمی‌یابد، می‌گوید: «شنیده‌ام همین اواخر یارانه برخی از همکارانم قطع شده است. مبلغ یارانه هرچند کم است، اما کمک می‌کند بخشی از هزینه‌ها را پوشش می‌دهد. حالا آنهایی که یارانه‌شان حذف شده، فشار بیشتری را باید تحمل کنند، چون خودم می‌دانم با حقوق بازنشتی، دخل و خرج به سختی با هم جور درمی‌آید.»

هوشمند، یکی دیگر از بازنشتی‌گان تأمین اجتماعی، با گلایه از شرایط اقتصادی جامعه می‌گوید: «هزینه‌های زندگی بسیار بالاست و فشار آن بر همه اقشار وارد می‌شود، اما برای ما بازنشته‌ها سخت‌تر است. این تورم و افزایش هزینه‌ها فقط مربوط به یکی دو اخیر نیست، هر سال همین وضعیت ادامه دارد. شرایط ما بازنشته‌ها با کارمندان و کارگران تفاوت زیادی دارد. به‌عنوان مثال، یک کارگر می‌تواند به‌عنوان عیدی دو پایه حقوق دریافت کند، اما سال گذشته فقط دو میلیون تومان عیدی به‌ما پرداخت شد. این در حالی است که بسیاری از بازنشته‌ها خانواده‌های پرجمعیتی دارند و آخر هفته‌ها فرزندان، عروس‌ها، دامادها و نوه‌ها در خانه‌شان جمع می‌شوند. من از زمان بازنشتی‌گی همچنان مشغول کار هستم و چند سالی است در یک مشاور املاک فعالیت می‌کنم تا بتوانم حداقل هزینه چند جلسه فیزیوتراپی همسر را تأمین کنم.»

او توضیح می‌دهد: «اگر دولت واقعاً حمایتی برای ما در نظر گرفته، باید اطلاع‌رسانی بهتری انجام دهد. تنها

افزایش پیدا می‌کند، فشار اصلی برای ما که شغل آزاد داریم، بیشتر می‌شود. کالابرگ کمک‌کننده است، اما کافی نیست و مبلغ آن باید بیشتر شود. زمانی که صحبت از گرانی بنزین است، ذهن مردم فوراً به سمت افزایش قیمت‌ها می‌رود. اگر دولت می‌گوید درآمد حاصل از بنزین صرف حمایت معیشتی می‌شود، لازم است مبلغ کالابرگ بیشتر شود تا مردم اثر آن را در زندگی خود ببینند.»

او تأکید می‌کند که مردم بیش از هر چیز به اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق نیاز دارند، چون نبود توضیح روشن موجب نگرانی و بی‌اعتمادی مردم می‌شود. در شرایط سخت اقتصادی، برای ایجاد امید در جامعه لازم است وضعیت معیشتی مردم بهبود یابد. این شهروند تهرانی پرسشی صریح از دولت دارد و می‌گوید: «اگر قیمت بنزین افزایش پیدا کند، برای جبران آن چه میزان افزایش واقعی در کالابرگ یا یارانه در نظر گرفته خواهد شد؟»

دخل و خرج باهم نمی‌خواند

حساب دخل و خرج با هم جور در نمی‌آید. بسیاری چند شغله‌اند و از صبح تا شب تلاش می‌کنند، با این حال هرچه زمان می‌گذرد به آرزوهایشان نمی‌رسند. خیلی‌ها هم زندگی‌شان نسبت به گذشته تغییر کرده و وارد سطح دیگری از وضعیت اقتصادی شده‌اند. مثل زوج جوانی که سال گذشته ازدواج کردند و برنامه‌های مختلفی برای زندگی‌شان داشتند. هاشمی‌زاده می‌گوید: «هر دو شاغل هستیم. برای ازدواجمان مراسم ساده‌ای گرفتیم، چون تصمیم داشتیم درآمدمان را پس‌انداز کنیم تا بتوانیم خانه‌ای بخریم. اما نمی‌دانیم درآمدمان به‌طور خرج می‌شود. واقعیت این است که هرچه پس‌انداز می‌کنیم ارزشش روزبه‌روز کمتر می‌شود.»

او توضیح می‌دهد: «نوع تفریحات و هزینه‌هایمان کاملاً تغییر کرده است. در دوران مجردی خریدهای خوبی داشتیم و بیشتر روزهای هفته با دوستان یا خانواده به رستوران و کافه می‌رفتیم. اما در این چند ماه بسیاری از برنامه‌های تفریحی را حذف کرده‌ایم؛ مثل سفر رفتن که هزینه‌هایش آن‌قدر بالا رفته که حتی برای یک سفر معمولی هم نمی‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم. با حقوقی که اول ماه می‌گیریم فقط می‌توانیم قسط لوازم ضروری زندگی را پرداخت کنیم. درحال حاضر هر دو چند شغله شده‌ایم و شادیم و جوانی‌مان خیلی سریع می‌گذرد، اما هنوز نتوانسته‌ایم سپهرانی برای خودمان فراهم کنیم. در خیابان‌های غرب تهران، سوپرمارکت‌هایی هستند که برای مشتریان ثابت حساب دفتری باز کرده‌اند. فروشنده‌ان می‌گویند این خریدها بیشتر شامل مایحتاج روزانه و به‌صورت نسیه است و در چند ماه اخیر این روند بیشتر شده است. فروشنده سوپرمارکتی در پلوار ایناگران در این باره توضیح می‌دهد: «حساب دفتری از گذشته در محله وجود داشت، اما تفاوت امروز با گذشته این است که قبلاً فقط تعداد کمی از مشتریان به این روش خرید می‌کردند، اما حالا تقریباً بیشتر ساکنین محله حساب دفتری دارند. برای همین میزان خریدهای قسطی از مغازه‌ها چند برابر شده و نام بیشتر ساکنان در دفتر ثبت است. آنها در طول روز یا هفتگی خرید می‌کنند و اول ماه، پس از دریافت حقوق، حسابشان را تسویه می‌کنند.»

به گفته این فروشنده، بیشترین اقلامی که به‌صورت قسطی خریداری می‌شوند شامل ماکارونی، تخم‌مرغ، برنج، ماست و پنیر است. کالاهای اساسی که با گرانی‌های اخیر، مردم ناچارند آنها را نسیه تهیه کنند. روش‌های نوین برای جلوگیری از فشارروانی اتحادمردم

در شرایطی که فشارهای معیشتی، آلودگی هوا و تنش‌های اجتماعی هرروز بیشتر می‌شود، لزوم استفاده از روش‌های نوین می‌تواند از فروپاشی روانی اتحاد مردم وازیرشود. این حمایت می‌تواند از دغدغه بالاتر که مستقیماً به حساب مادر یا پدر فرزندان می‌آید، به‌عنوان عاملی برای کاهش فشار روانی والدین برای تأمین نیازهای اولیه بدهد تا بر تربیت و آرامش خانواده تمرکز کنند. «

سمیرا شمسهایی، سرپرست خانوار، با دو فرزند زندگی می‌کند. او هزینه‌های خانواده را از طریق خیاطی تأمین می‌کند. به گفته او، کالابرگ در ماه‌های اخیر نقش مهمی برای تهیه مواد غذایی خانه‌اش داشته، اما مخارج اصلی خانواده‌ها بسیار بالاتر از سقف کالابرگی است که دریافت می‌کند. او توضیح می‌دهد: «درآمد من مبلغ ثابت و مشخصی نیست. وقتی قیمت‌ها

روانشناس:

وقتی مسائل معیشتی حل نشده باقی بماند، افراد توان تمرکز بر مسائل دیگر را ندارند، از سویی دیگر اما آموزش رفتار مسئولانه و جلوگیری از صحنه‌آرایی‌های طبقاتی، برآورتمند، برای فرزندان، از گسست اجتماعی ضروری است

مضاعفی بر او وارد می‌کند، در حوزه مسائل معیشتی هم همین احساس به افراد دست می‌دهد. وقتی فرد با درآمد ثابت قادر به پرداخت هزینه‌های حداقلی زندگی نیست، اضطراب، استرس، تنگی نفس و بی‌خوابی و علائم جسمی و روانی مختلفی به‌سرعت ظاهر می‌شود. این موضوع در درآمدت می‌تواند به از هم‌کسختگی روانی او منجر شود. چنین فشارهایی به تدریج فرد را از تصمیم‌گیری صحیح دور می‌کند، آستانه صدا و تحریک‌پذیری را افزایش می‌دهد و احساس ناتوانی و نداشتن کفایت را در او تشدید می‌کند. نتیجه این وضعیت، اختلال در روابط متعدد است؛ از خانوادگی گرفته تا شغلی، از درگیری و ناسازگویی تا خشونت و پرخاشگری و تغییر در رفتار افراد جامعه به‌روز می‌کند. بوق‌زدن‌های بی‌مورد، سرعت‌های غیرعادی در رانندگی و واکنش‌های توهین‌آمیز، نمونه‌هایی از فقدان کنترل هیجانی است.»

ایمانی با تأکید بر اینکه این روند، در سطح کلان به افزایش مصرف‌های روان‌پزشکی، رشد آمار طلاق، بیکاری، درگیری‌های خیابانی و حتی سرقت منجر می‌شود، توضیح می‌دهد: «بشه بسیاری از این آسیب‌ها در مقایسه کردن‌های اشتباه است. مقایسه خود با دیگران، هم در زندگی عادی و اطرافیان، خانواده و دوستان و هم بویژه در فضای مجازی، که فشار روانی شدیدی به افراد وارد می‌کند.»

او می‌گوید: «اختلاف طبقاتی یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای امروز جامعه است. طبقه‌ای که سبک زندگی لوکس و نمایش‌محور دارد، ناخواسته حال دل را به سایر طبقات تسری می‌دهد. یک نوجوان در شهری کوچک که احتمالاً دسترسی به تبلت، گوشی و اینترنت دارد، با دیدن زندگی پر زرق‌وبرق در شبکه‌های اجتماعی، دچار احساس فقر می‌شود؛ احساسی که به‌مراتب از فقر واقعی بزرگ‌تر و مخرب‌تر است و می‌تواند به فرار از خانه، روابط ناسالم و رفتارهای پرخطر منجر شود.»

ایمانی بخش مهمی از بحران فعلی را متوجه رفتار سیاست‌های اتخاذ شده از گذشته تا حال سیاست‌گذاران می‌داند و می‌گوید: «مردم امروز تدبیری معطوف به آینده دریافت نمی‌کنند و این، آنان را پریشان و بی‌پناه کرده است. در کشور آژانتین با شرایط مشابه تجربه قابل استنادی وجود دارد، این کشور توانست با مدیریت جدید، در کنترل تورم ۱۵۰ درصدی، براهمیت رفتار مسئولانه و امیدبخشی کارکنان تأکید داشته باشد که توانسته تورم را به ۳۰ درصد کاهش و بشدت در میان جامعه اعتمادسازی و احساس امید را افزایش دهد.»

این رفتارشناس می‌گوید: «وقتی مسائل معیشتی حل نشده باقی بماند، افراد توان تمرکز بر مسائل دیگر را ندارند، از سویی دیگر اما آموزش رفتار مسئولانه و جلوگیری از صحنه‌آرایی‌های طبقاتی برآورتمند، برای جلوگیری از گسست اجتماعی ضروری است.»

او به ازدواج‌های پرزرق‌وبرق هنرمندان و بالاگراها که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، اشاره می‌کند و می‌گوید: «چنین نمایش‌هایی فشار روانی سنگینی به جوانانی وارد می‌کند که توان تأمین حداقل‌های مراسم ازدواج را هم ندارند و این فشار روانی می‌تواند عواقب سنگین و جبران‌ناپذیری را با خود به دنبال

داشته باشد.»

به اعتقاد این روان‌شناس، جامعه امروز در نقطه حساسی ایستاده و فقط با مسئولیت‌پذیری جمعی، همدلی و کاهش رفتارهای سودجویانه می‌توان از تشدید آسیب‌ها جلوگیری کرد. او توضیح می‌دهد: «باید رفتار مسئولانه به همه افراد جامعه آموزش داده شود تا گسست بزرگ در جامعه ایجاد نشود. طبقه محدود و ثروتمند با صحنه‌آرایی و صحنه پردازی فشار بالایی را به آرزوهای دیگران تحمیل می‌کنند. البته بحث رسانه هم در این موضوع اهمیت بالایی دارد. در نهایت این موضوع برکسی پوشیده نیست که دولت و مدیران باید در رأس کارهای خود حل مسائل معیشتی را لحاظ کنند.»

ظرفیت‌های مهم جامعه ایران برای عبور از معضلات اقتصادی

بحران‌های معیشتی و اقتصادی از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که می‌توانند انسجام اجتماعی را تضعیف کنند. با اینکه این بحران‌ها انسجام اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، اما ایران همچنان ظرفیت‌های قدرتمندی در تاب‌آوری، شبکه‌های محلی، سرمایه فرهنگی و روحیه همیاری دارد که می‌تواند مسیر بازسازی اعتماد و تقویت همبستگی را هموار کند. فهمیه نظری، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی، در این باره به «ایران» می‌گوید: «بحران‌های معیشتی و اقتصادی می‌توانند اعتماد افراد جامعه را به‌شدت تضعیف کنند تا جایی که در شرایطی خاص انسجام اجتماعی را از بین ببرند. در تحلیل تأثیر بحران‌های اقتصادی بر انسجام جامعه، فشارهای معیشتی می‌توانند چالش‌هایی برای همبستگی ایجاد کنند، اما در کنار این چالش‌ها، جامعه ایران ظرفیت‌های قابل توجهی برای ترمیم مدیریت بحران دارد.»

اهمیت افزایش تعامل و گفت‌وگو

ما با جامعه‌ای مواجه هستیم که در سخت‌ترین شرایط تاریخی، بارها توانسته خود را بازسازی کند؛ امروز هم چنین امکانی وجود دارد.

نظری می‌گوید: «اگرچه تحقق نیافتن برخی وعده‌های می‌تواند اعتماد را کاهش دهد، اما تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد با اصلاح سیاست‌ها، شفافیت و گفت‌وگو با مردم، این اعتماد قابل بازسازی است. افزایش پاسخ‌گویی، ارائه گزارش‌های شفاف و مشارکت دادن مردم در تصمیم‌ها می‌تواند چرخه اعتماد را تقویت کند.»

این جامعه‌شناس با اشاره به نابرابری اقتصادی می‌گوید: «افزایش هزینه‌های زندگی با درآمد‌های ثابت کم یا ناپایدار، انسجام اجتماعی را تخریب می‌کند و خشونت‌های خرد را افزایش می‌دهند چرا که استرس زیادی بر افراد وارد می‌شود و پرخاشگری و نزاع‌های خانوادگی و خیابانی افزایش پیدا می‌کند. در این میان افراد حالت دفاعی می‌گیرند و کم‌کم نسبت به یک‌دیگر بی‌تفاوت می‌شوند. در واقع هرکس می‌خواهد خودش را به نحوی نجات دهد و به فکر دیگری نیست و در نتیجه مشارکت جمعی هم بشدت کاهش پیدا می‌کند. مهم این است که سیاست‌گذار از ابزارهای حمایتی استفاده کند تا نابرابری تعدیل شود. ایران ظرفیت‌های بالقوه برای کاهش شکاف دارد، از جمله گسترش خدمات آموزشی

دولتی، حمایت از مشاغل کوچک، تقویت نظام رفاهی و ایجاد فرصت برای ارتقای اجتماعی.»

به گفته او، آموزش مهارت‌های ارتباطی، تنظیم هیجان و تقویت سواد رسانه‌ای می‌تواند خشونت‌های خرد را کاهش دهد و کیفیت روابط را بالا ببرد. نظری معتقد است که اگرچه فشار اقتصادی می‌تواند مشارکت را کم‌رنگ کند، اما حرکت‌های داوطلبانه، فعالیت‌های محلی، خبریه‌های محله‌محور و کمپین‌های مردمی هنوز نقش فعالی در جامعه دارند و این ظرفیت می‌تواند گسترش پیدا کند. جامعه ایران نشان داده حتی در سختی‌ها هم کنار هم می‌مانند.

به گفته نظری، وقتی سیاست‌ها پایدار شود و مسیر بهبود اقتصادی روشن شود، مهاجرت هم کاهش پیدا می‌کند. امید اجتماعی یک متغیر سیال است؛ اگر مردم احساس کنند آینده قابل‌پیش‌بینی است، میل به ماندن افزایش می‌یابد. این پژوهشگر مسائل اجتماعی دو نمونه مشخص بحران مسکن و تورم را بررسی می‌کند و توضیح می‌دهد: «اگرچه افزایش اجاره‌ها چالش ایجاد می‌کند، اما سیاست‌های حمایتی مسکن و کنترل بازار اجاره می‌تواند شبکه‌های محلی را حفظ کند و از مهاجرت‌های ناخواسته جلوگیری کند. تورم هم مسیر برنامه‌ریزی خانوارها را دشوار کرده است، قیمت کالاهای اساسی در حال بالا رفتن است، اما با اصلاح حکمرانی اقتصادی، شفافیت بودجه و نظارت بر قیمت‌ها می‌توان ثبات ایجاد کرد.»

نظری به راهکارهای دیگری هم اشاره می‌کند: «حمایت هدفمند و فعال‌سازی نظام رفاهی باید در دستور کار باشد، یارانه هدفمند، حفاظت از مشاغل خرد، تقویت اقتصاد زنان، حمایت از بازنشتی‌گان و کنترل قیمت کالاهای اساسی می‌تواند حس عدالت و آرامش را بازگرداند. همچنین افزایش کیفیت مدارس دولتی، توجه به مناطق محروم و ارتقای جایگاه معلمان به‌طور مستقیم به تقویت امید اجتماعی و تحرک طبقاتی منجر می‌شود.»

او با تأکید به اینکه شفافیت بودجه‌ای و نظارت مالی موجب افزایش اعتماد است و نشان می‌دهد نظام تصمیم‌گیری پاسخ‌گو و قابل اتکاست، توضیح می‌دهد: «اتوانمندسازی طبقه متوسط مورد دیگری است که باید به آن توجه شود. در این مورد، وام کم‌بهره، ثبات شغلی، کاهش فشار مالیایی و حمایت از مشاغل کوچک می‌تواند موتور پایداری و رشد اجتماعی را دوباره فعال کند.»

او با بیان اینکه گفت‌وگوی اجتماعی باید به‌طور مستمر و مداوم باشد، تأکید می‌کند: «رسانه‌ها، مسئولان و مردم باید گفت‌وگو را جدی بگیرند. عامل صدای مردم مهم‌ترین عامل افزایش امید و تقویت حس مشارکت است.»

نظری با یادآور شدن این موضوع که بحران‌های اقتصادی اگرچه چالش‌زا هستند، اما جامعه ایران ظرفیت‌های مهمی برای عبور از آنها دارد، می‌گوید: «تاب‌آوری تاریخی، سرمایه فرهنگی، شبکه‌های محلی، نقش فعال رسانه‌ها و قدرت همیاری مردمی از جمله این ظرفیت‌ها هستند. اگر سیاست‌گذاری با واقع‌بینی و عدالت همراه شود، می‌توان انسجام اجتماعی را حفظ و تقویت کرد.»

دولت چه می‌کند؟

حمایتی با مشارکت مردم. با وجود اقداماتی که برای بهبود معیشت انجام شده، شکاف میان سیاست‌های حمایتی و واقعیت زندگی روزمره همچنان قابل توجه است. در حقیقت، فاصله میان «حمایت‌های دولتی» و «واقعیت سفره مردم» باعث شده تا جامعه انتظار پاسخگویی و ارائه برنامه‌های عملی روشن از مسئولان داشته باشد. با این حال به نظر می‌رسد طرح اعطای کالابرگ کمک معیشتی برنامه مهم دولت در این باره است. برنامه دولت هم تأمین اعتبار بیشتر برای تداوم و اختصاص به این طرح است. مردم هم چنانکه در همین گزارش اشاره شده، با اصلاح هدفمند قیمت بنزین و اختصاص منابع حاصل از آن برای تأمین بیشتر و بهتر کالابرگ موافق هستند.

